

FOR THE PEOPLE

# عملکرد و نقش احزاب سیاسی در جوامع امروزی

□ بخش سوم

نویسنده: دکتر احمد نقیب زاده

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

## ۳- عملکرد و نقش احزاب سیاسی در جوامع امروزی

چنانکه اشاره شد نه کسی در آغاز به تعریف حزب پرداخت و نه مرجعی حدود وظایف و اختیارات آن را تعیین کرد. تنها برای اولین بار پس از جنگ جهانی دوم قانون اساسی ایتالیا (۱۹۴۷) و قانون پایه آلمان (۱۹۴۹) و قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه (۱۹۵۸) به طور مختصر با اختصاص یک ماده به نقش احزاب آن هم در محدوده برگزاری انتخابات سخن به میان آوردند. ماده ۴ قانون اساسی ۱۹۵۸ فرانسه نقش حزب را چنین تعریف می‌کند: «احزاب و گروههای سیاسی در بیان آراء عمومی شرکت می‌کنند، آزادانه شکل می‌گیرند و به اصل حاکمیت ملی و نظام دموکراسی احترام می‌گذارند». در واقع از نقطه نظر تحلیل کلاسیک، نقش احزاب به مشارکت در انتخابات محدود می‌شود و از این دیدگاه می‌توان عملکرد حزب را به سه مقوله منحصر دانست: شکل دادن به افکار عمومی، دستچین کردن نامزدهای انتخابات و سازمان دادن به انتخاب‌شدگان. ولی توسعه علوم اجتماعی و خصوصا روشهای جدید در مطالعات جامعه شناختی از جمله رفتارگرایی و عملکردگرایی که بر مطالعه همه جانبه عملکرد سازمانها و نهادهای اجتماعی تأکید دارد، سبب شده است تا مطالعات مربوط به احزاب از چارچوب تحلیلهای کلاسیک به مراتب فراتر رفته و از زوایای گوناگون مورد توجه قرار گیرد. ما نیز پس از نگاهی به دیدگاه کلاسیک به مطالعه نقش و عملکرد همه جانبه احزاب می‌پردازیم.

الف - تحلیل کلاسیک از عملکرد احزاب:

(۱) به قول «دیوید اپتر»<sup>(۱)</sup>، عملکرد اولیه هر حزب شکل دادن به افکار عمومی است. احزاب سیاسی به انتخاب و نمایندگی معنایی عمیق تر از انتخاب یا تایید یک فرد بوسیله فردی دیگر می‌بخشند، زیرا با ارائه یک برنامه و خط مشی موجب فکری جمعی می‌شوند که زیر پوشش آن افراد پراکنده به نوعی وحدت سیاسی می‌رسند، بدینسان فرد از فردیت خود خارج شده و با کنار گذاشتن بسیاری از خواسته‌های شخصی به جمعیتی می‌پیوندد که حول یک هدف کلی اشتراک نظر پیدا کرده‌اند. بدون چنین اجتماعی هیچگاه امکان ندارد بتوان افکار و عقاید پراکنده در جامعه را بررسی و به صورت یک مجموعه منسجم به رهبران سیاسی منتقل نمود تا آنها نیز به نوبه خود بتوانند افکار عامه را در تصمیمات خود ملحوظ بدارند. به عبارت دیگر بدون شکل دادن به افکار عمومی که کار عمده احزاب و گروههای سیاسی است نمی‌توان رابطه معقولی بین حاکمان و حکومت شوندگان برقرار نمود، در حالی که اصل نمایندگی در نظام دموکراسی بستگی تام به وجود چنین رابطه‌ای دارد. اما این عملکرد که «پشتین» به آن «عملکرد پروگراماسیون» می‌گویند خود متضمن عیبی است که دموکراسی را در عمل با معضلی لاینحل روبرو می‌سازد زیرا هیچگاه فرد نمی‌تواند حزبی را پیدا کند که برنامه آن تجسم تمامی آرمانهای او باشد. ممکن است شخصی با سیاست خارجی یک حزب موافق ولی با برنامه‌های داخلی آن مخالف باشد. به علاوه هیچ تضمینی وجود ندارد که حزب پس از پیروزی به برنامه‌های اعلام شده عمل کند. برعکس به قول «ماکس وبر» هر چه شعارهای حزب دور و درازتر باشد فاصله آن با واقع بینی و اختلاف حرف و عمل بیشتر است. نکته دیگر این است که غالبا مواردی پیش می‌آید که جامعه به دو گرایش کلی مثل چپ و راست تقسیم می‌شود و در چنین حالتی ممکن است

فرد حق انتخاب خود را محدود به گزینش بین بد و بدتر ببیند، یا در حالت بهتر، یکی از این گرایشها را فقط به طور جنبی با نظریات خود نزدیک یابد. در تاریخ مبارزات اجتماعی بسیار مشاهده شده است که مثلاً جامعه‌ای بین طرفداران و مخالفان یک شخصیت (مثل دو گل) تقسیم شده و رأی دهنده بین دو نقطه نظر افراطی قرار گرفته است. بدتر از آن اینکه گاه احزاب به ماجرائی دامن می‌زنند که ممکن است اصلاً با مسائل واقعی فرد و جامعه بی‌ارتباط باشد یا در مراحل پایین‌تر اهمیت قرار داشته باشد، مثل ماجراهای گروگانگیری (اهمیتی که در

■ فرهنگ و ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در هر جامعه تأثیر عمیقی بر چگونگی نقش احزاب و حتی بر ساختار آن دارد. اینکه احزاب سیاسی در کشورهای جهان سوم در اموری مداخله می‌کنند که عقلاً به حوزه فعالیت حزب مربوط نمی‌شود یا اینکه خیلی زود به سوءاستفاده از قدرت گرایش می‌یابند، دقیقاً ناشی از تأثیر محیط است.

■ اصل تفکیک قوا نخستین پایه دموکراسی‌های غربی را تشکیل می‌دهد ولی امروزه این اصل در برابر سیطره احزاب حاکم، در حکم کلیشه زیبایی است که با شعاری از عیسی مسیح مثلاً در اطاق کار استالین آویزان شده باشد.

سیاست داخلی کشورهای غربی دارد) یا ماجراهائی مثل قضیه «دریغوس» و «استاویسکی» در فرانسه.

در عین حال بدون وجود برنامه‌ها و بحث پیرامون مسائل و نقطه نظرها، فرد از همین حداقل نیز محروم و در ابهام و ناآگاهی، از اعمال هرچند ناچیز سهم خود در حق حاکمیت باز می‌ماند. در اینجا باید به موضوع آموزش سیاسی مردم به وسیله احزاب نیز اشاره کرد. پیچیدگی زندگی امروزه به فرد امکان نمی‌دهد که به تنهایی به کسب اطلاعات سیاسی لازم و سپس تحلیل آنها بپردازد و در نتیجه راه سیاسی خود را انتخاب کند. حزب از یک طرف اعضای عادی را در جریان امور می‌گذارد و از طرف دیگر کارآمدترین آنها را برای ورود به هیئت رهبری و در دست گرفتن امور، از طریق آموزشهای سیاسی ویژه آماده می‌سازد.

۲) معرفی نامزدها در انتخابات یکی دیگر از کار ویژه‌های حزب سیاسی است. امروزه در کشورهای اروپائی و حتی در آلمان که نظام انتخاباتی دوگانه‌ای را اعمال می‌کند (رأی دهنده هم به حزب رأی می‌دهد و هم به شخص)، نمایندگان که به طور منفرد وارد مجلس می‌شوند بسیار انگشت شمارند. اکثر قریب به اتفاق نامزدهای نمایندگی مجلس و ریاست جمهوری و انتخابات شهرداریها و چهره‌های کابینه دستچین شدگان احزاب‌اند. مردم نسبت به چهره‌های منفرد (بجز استثنائات) ناآشنا و بعضاً بدگمان‌اند. در کشورهای توسعه نیافته‌ای که حزبی وجود ندارد تا به معرفی شخصیتها بپردازد، کار را اتفاق می‌افتد که جمعی از اعضای کابینه برای مردم بیگانه و چهره‌هائی نامأنوس باشند و حتی گاه مورد تمسخر مردم نیز واقع شوند. ولی افراد معرفی شده از سوی احزاب حتی در صورت گمنام بودن از هویت و اعتبار حزب خود مایه می‌گیرند.

لکن این شیوه در معرفی نامزدها و اعمال نفوذ احزاب نیز خود با دموکراسی محض فاصله زیادی دارد زیرا راه را برای نوعی نظام الیگارش و حکومت نخبگان حزبی باز می‌کند. در ایالات متحده از چندی قبل به منظور جلوگیری از همین وضعیت انتخابات مقدماتی را معمول کرده‌اند تا قبلاً از نظر مردم در مورد نامزدها مطلع گردند و در نتیجه از اعمال نفوذ کنگره‌های حزبی بکاهند. ولی اگر نظر واقع بینانه «موریس دو ورژه» را مبنی بر اینکه در تعریف دموکراسی باید جای فرمول «حکومت مردم بر مردم بوسیله مردم» را با فرمول «حکومت نخبگان منتخب مردم بر مردم» عوض کرد بپذیریم، آنگاه نه تنها حکومت نخبگان حزبی انحرافی از دموکراسی محسوب نمی‌شود بلکه خود عین دموکراسی است.

۳) و بالاخره سازمان دادن به انتخاب شوندگان و اعمال نفوذ بر آنها آخرین کار ویژه‌ای است که در تحلیل کلاسیک از عملکرد احزاب مطرح شده است.

تمام احزاب پس از انتخابات به منظور پیشبرد اهداف خود، در مجلس به همان پیکاری می‌پردازند که قبلاً در سطح جامعه بدان دست زده بودند. از این رو لازم است که نمایندگان خود را سازماندهی کرده و بین آنها هم آهنگی برقرار کنند. میزان و چگونگی اعمال نفوذ حزب بر نمایندگان خود، بستگی به درجه انضباط در حزب دارد. احزاب انگلستان از قدیم نظارت کاملی بر رفتار سیاسی نمایندگان خود اعمال می‌کردند و مأمور حزب بنام «ویپ» حضور و غیاب نمایندگان و سخنرانی‌های آنها را زیر نظر داشت و چنانچه نماینده‌ای برخلاف مواضعی اعلام شده حزب حرفی بر زبان می‌راند مورد مؤاخذه قرار می‌گرفت. ولی احزاب فرانسه و ایتالیا چنین شدت عملی بخرج نمی‌دهند. با وجود این در تمام این کشورها گروه‌های پارلمانی که نماینده قدرت احزاب گوناگون هستند یکی از عوامل مهم نمایش قدرت در پارلمان به شمار می‌آیند. این گونه تشکلات به یکپارچگی نظرات و ملموس شدن جریانهای سیاسی کمک کرده و در نتیجه در تسهیل کار سیستم سیاسی نقش مهمی بازی می‌کند. از طرف دیگر نمایندگان سازمان یافته از طریق ماشین حزب با رأی دهندگان در ارتباط دائم بوده و به نظریه نمایندگی عینیت می‌بخشند.

ب - تحلیل همه جانبه از عملکرد احزاب:

از یک طرف بررسی احزاب در کشورهای تازه به استقلال رسیده و وسعت عملکرد آنها در زمینه‌های مختلف که به دلیل نبود تخصص و تنوع ساختاری در این جوامع پیش می‌آید و از طرف دیگر آثار جانبی که احزاب کشورهای صنعتی از خود برجای می‌گذارند سبب شده است که عده‌ای از علاقمندان به مطالعات حزبی تحلیل کلاسیک از عملکرد احزاب را کافی ندانسته و با استفاده از رهیافت‌های جدید در علوم اجتماعی و خصوصاً تحت تأثیر برداشت «فنکسیونالیسم» به مطالعه همه جانبه در این زمینه بپردازند.

تحلیل فنکسیونالیستی از پدیده‌های اجتماعی و سیاسی به کنش‌های متقابلی که بین پدیده و محیط برقرار است توجه دارد. این نظر تا حد زیادی تحت تأثیر نظریات زیست شناسانه کسانی چون جامعه‌شناس انگلیسی «هربرت اسپنسر»<sup>۳</sup> (۱۹۰۳-۱۸۲۰) و در دهه‌های بعد از جنگ جهانی اول افرادی مانند «ون برتالانی»<sup>۴</sup> زیست شناس قرار دارد که سازمانهای اجتماعی و سیاسی را به

■ اگر نظر واقع بینانه «موریس دو ورژه» مبنی بر اینکه در تعریف دموکراسی باید جای فرمول «حکومت مردم بر مردم بوسیله مردم» را با فرمول «حکومت نخبگان منتخب مردم بر مردم» عوض کرد پذیرفته شود، آنگاه نه تنها حکومت نخبگان حزبی انحرافی از دموکراسی به شمار نمی‌آید بلکه خود عین دموکراسی است.

■ «اجتماعی کردن سیاست» پیش از آنکه هدف یک برنامه رشد و توسعه سیاسی باشد، ضرورتی است که نظام سیاسی برای ماندگاری ناگزیر از توجه به آن است زیرا هرچه دامنه مشارکت مردم گسترده‌تر باشد ثبات رژیم نیز بیشتر خواهد بود.

موجودی زنده و رابطه این سازمانها با کل سیستم را به رابطه موجود زنده و محیط اطرافش تشبیه می‌کنند. برخلاف باور ساختارگرایان<sup>۵</sup> مبتنی بر این که مطالعه ساختارهای اجتماعی برای شناخت پدیده کفایت می‌کند، کارکردگرایان<sup>۶</sup> بر این باورند که بر حسب محیط، از ساختارهای مشابه عملکردهای متفاوتی پدید می‌آید زیرا کارکرد هر ساختار چیزی جز پاسخ به مقتضیات محیط نیست و لذا این محیط است که عملکرد هر ساختار را تعیین می‌کند و به قول «فرانک سروف»<sup>۷</sup> نحوه انجام عملکرد نیز به نوبه خود تعیین کننده ساختار است.

براین اساس، حزب نیز مانند سایر سازمانهای سیاسی و اجتماعی از داشتن چنین رابطه‌ای با محیط مستثنی نیست. به بیان دیگر فرهنگ و ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تأثیر عمیقی بر نحوه ایفای نقش احزاب و حتی بر ساختار آنها دارد. اینکه احزاب در کشورهای جهان سوم در اموری مداخله می‌کنند که عقلاً به حوزه فعالیت حزب مربوط نمی‌شود یا اینکه خیلی زود به سوءاستفاده از قدرت گرایش می‌یابند دقیقاً ناشی از تأثیر محیط است.<sup>۸</sup>

در کشورهای صنعتی به دلیل رعایت تخصص در ساختارهای اجتماعی و سیاسی و روشن بودن حدود اختیارات نهادها، حزب نمی‌تواند از محدوده وظایف خود فراتر رفته و در کار سایر نهادها و مراجع به مداخله بپردازد لیکن در حاشیه، بسیاری از حلقه‌های اجتماعی و حتی روانی را بر می‌کند. «استروگرسکی» از مشاغلی که احزاب هنگام برگزاری انتخابات بوجود می‌آورند مثل بخش آگهی و تراکت سخن به میان می‌آورد. یا اینکه حزب کمونیست فرانسه جای خوبی برای آشنائی جوانان با یکدیگر است که در بسیاری موارد منجر به ازدواج می‌شود (فکتسیون آژانس‌های همسرابی). اما آنچه از دیدگاه جامعه‌شناسی سیاسی مهم است عملکردهای ناخواسته و غیر رسمی حزب در خصوص «ادغام اجتماعی» و حفظ سیستم سیاسی است. «کینگ مرتن» در کتاب «آخشیخ‌های نظریه و روش در جامعه‌شناسی»<sup>۹</sup> با مطالعه ماشین حزب در آمریکا و الهام از عبارت پردازیهایی (ترمینولوژی) فرویدیسیم عملکرد احزاب را به دو نوع آشکار و پنهان تقسیم می‌کند.

عملکرد آشکار همانست که از حزب انتظار می‌رود و تحت عنوان تحلیل کلاسیک از عملکرد احزاب از آن نام بردیم، ولی عملکرد پنهان نه از حزب انتظار می‌رود و نه کسی عامداً آنرا در برنامه حزب گنجانده است بلکه حزب در جریان عمل و به مقتضای محیط ناخواسته به انجام آن کشانده می‌شود. اگر حزب در آمریکا توانسته است علیرغم حملات و انتقادات شدید همچنان پابرجا بماند به نظر «مرتن» دقیقاً به دلیل همین عملکردهای پنهانی است که ریشه حزب را در جامعه قوام بخشیده است.<sup>۱۰</sup> حزب نه تنها کار ادغام تازه واردین و مهاجرین در جامعه را انجام می‌دهد و سبب می‌شود تا اینگونه افراد خود را بیگانه با محیط و طرد شده از اجتماع تصور نکنند بلکه به بسیاری از مسائل خصوصی مثل ثبت نام فرزندان یا حل مسائل حقوقی آنها نیز رسیدگی می‌کند. در اینصورت فرد خود را وابسته به حزب و آنرا حامی خود می‌شناسد. نتیجه این کار در مقیاس وسیع ادغام اجتماعی و توسعه فرهنگ سیاسی است. یکی از وظایف سیستم سیستم سیاسی مشارکت دادن هر چه بیشتر افراد و اقشار در امور سیاسی و ایجاد رابطه بین آنها و نظام سیاسی است. «آلموند» و «پاول» از جامعه‌شناسان فنکسیونالیستی هستند که به این امر توجه زیادی می‌پذیرند داشته‌اند و در کتاب مشترک خود بنام «سیاست تطبیقی»<sup>۱۱</sup> به تشریح نقش احزاب در توسعه ارتباطات اجتماعی، اجتماعی کردن سیاست، تطبیق سیستم سیاسی با محیط و توسعه فرهنگ سیاسی پرداخته‌اند. به نظر این دو جامعه‌شناس علاوه بر آنکه احزاب سیاسی از طریق یکپارچه کردن خواسته‌های پراکنده گردش کار سیستم سیاسی را سهولت می‌بخشند، در برقراری پیوند روانی و مادی بین فرد و سیستم سیاسی نیز نقش مهمی ایفا می‌نمایند. که خود به حفظ نظام سیاسی کمک می‌کند.

امروزه اغلب دولتها حتی آنها که ذاتاً با مشارکت آگاهانه مردم در امور سیاسی موافق نیستند برای این امر ارزش خاصی قائلند زیرا بدون داشتن یک پایگاه وسیع اجتماعی تداوم کار سیستم با مشکلات مهمی روبرو خواهد شد. اجتماعی کردن سیاست قبل از آنکه هدف یک برنامه توسعه و رشد سیاسی باشد، ضرورتی است که سیستم سیاسی برای ماندگاری ناگزیر از توجه به آن است چرا که هر چه مشارکت مردم وسیع‌تر باشد ثبات رژیم نیز بیشتر خواهد بود. حزب یکی از مهمترین وسائلی است که میتواند به این الزام پاسخ دهد زیرا کانال مناسبی است که از طریق آن فرد با کلیت جامعه پیوند می‌خورد و از قرار گرفتن در مقابل جامعه می‌پرهیزد. هر وقت اینگونه کانالهای مشروع و علنی بسته شده، جامعه با مشکل تروریسم، بی‌حسی اجتماعی، بدبینی و یاس روبرو گردیده است.

حتی احزاب مخالف نیز به نحوی در تحکیم و حفظ سیستم سیاسی مشارکت دارند. کسی که به خوبی جنبه مثبت احزاب مخالف را نشان داده است «ژرژ لاو»<sup>۱۲</sup> جامعه‌شناس فرانسوی است که در مورد حزب کمونیست فرانسه تحقیق کرده و از نقش تربیونی این حزب که ما آنرا به «سوپاپ اطمینان» ترجمه می‌کنیم نام می‌برد. «لاو» نام تربیون را از «تربیون دو لاپل»<sup>۱۳</sup> در رم قدیم گرفته است، یعنی همانجا که مردم پابرهنگه جمع می‌شدند و صدای خود را به گوش کنسول می‌رساندند و سپس خوشحال از اینکه فریاد خود را زده‌اند آرام به خانه‌های خویش باز می‌گشتند و بدینسان نظام از خطر شورش و دسیسه آنها و می‌رهید. به نظر «لاو» حزب کمونیست فرانسه تا سال ۱۹۶۵ که به سوی کسب قدرت از طریق انتخابات متمایل شد.

در عین ضدیت با نظام بورژوازی نقش سوپاپ اطمینان را بازی کرده و در نتیجه به حفظ نظام کمک می‌کند. نظر «لاو» کاملاً صائب می‌نماید زیرا قرآن نشان می‌دهد که چنانچه تمامی درها به روی برخی از اقشار یا نیروهای اجتماعی یا طیف‌های عقیدتی بسته شود در واقع راه برای تروریسم و در نتیجه تزلزل سیستم باز می‌گردد. مثال بارز در این زمینه، ممنوعیت فعالیت حزب کمونیست آلمان در دهه ۱۹۵۰، سلطه کامل دو حزب سوسیال دموکرات و دموکرات مسیحی بر زندگی سیاسی این کشور، و بالاخره چهارنعل تاختن سرمایه‌داری در دهه ۱۹۷۰ است که در ظهور گروه تروریستی «بدرمانیف» موثر واقع شد. عوامل مشابهی نیز در پیدایش «بریگاد سرخ» در ایتالیا تاثیر داشت (البته عدم هماهنگی در سیستم اقتصادی - اجتماعی هر دو کشور را نباید نادیده گرفت) در حالیکه در فرانسه، فعالیت آزاد و مشارکت حزب کمونیست در امور سیاسی تا اندازه‌ای راه را بر نیروهای افراطی دست چپی بست (باز هم این بدان معنی نیست که بخواهیم زمینه‌های متفاوت اجتماعی و اقتصادی بین فرانسه و آلمان و ایتالیا را نادیده بگیریم).

در هر صورت چه این نمونه‌های مختلف عملکرد اعم از آشکار و پنهان یا نقش سوپاپ اطمینان و غیره را در مورد احزاب بپذیریم یا نه، يك واقعیت را نمی‌توان انکار کرد و آن اینکه در جوامع غربی زندگی سیاسی در وجود احزاب خلاصه می‌شود و هر کشور دیگری که بخواهد قدم در راه توسعه و پیشرفت سیاسی (به این سبک) بگذارد، ناگزیر از پذیرش نقش تعیین کننده احزاب خواهد بود زیرا مشارکت مردم از يك طرف و حفظ رابطه بین حاکمان و حکومت شونده‌گان و در نتیجه حفظ و تداوم سیستم از طرف دیگر موقوف به فعالیت صحیح و آزادانه احزاب است. مسلماً در اینجا سخن از احزابی است که اصالت و مشروعیت خود را از يك پایگاه وسیع اجتماعی می‌گیرند و به ایفای يك نقش ضروری مانند نقش يك اندام در پیکر موجود زنده می‌پردازند و نه احزاب فرمایشی از نوع «حزب رستاخیز».

در پایان این نکته را نیز باید یادآور شد که احزاب سیاسی بنیاد سیاست و حکومت را در کشورهای غربی دچار تحولی عمیق ساخته‌اند، آنچنان که سیاست در عمل با قوانین بنیادی که اساس حکومت در دموکراسیهای غربی را تشکیل می‌دهد مغایرت تام دارد. لزومی به ذکر این نکته نیست که اولین پایه دموکراسیهای غربی را اصل تفکیک و رتاشکیل می‌دهد ولی این اصل امروزه در مقابل سیطره حزب حاکم، در حکم نلیشه زیبایی است که با شعارهای عیسی مسیح مثلاً در اطاق کار استالین آویزان شده باشد. در فردای انتخابات، حزب پیروز هم دارای اکثریت در پارلمان است یعنی قوه مقننه را در اختیار دارد و هم بالاترین مقام قوه مجریه را (ریاست جمهور در سیستمهای ریاستی و نخست وزیری در سیستمهای کابینه‌ای).

دیگر این پارلمان نیست که به عنوان تجسم اراده ملت به وضع قوانین و تعیین سیاست کلی کشور می‌پردازد، بلکه هم سیاست دولت و هم تصمیمات مجلس بستگی به غالبترین مرجع حزب حاکم یعنی کمیته مرکزی پیدا می‌کند. با این وصف آیا بار دیگر به جمله معروف «الکسی دوتوکویل» نمی‌رسیم که می‌گفت: احزاب، اجزای منحوس ولی لاینفک نظام دموکراسی هستند؟ صفت «لاینفک» سبب می‌شود تا به جای طرد و جذب آنها از زندگی سیاسی به شناخت هر چه بهتر و در نتیجه کاستن از جنبه‌های منفی شان بپردازیم.

#### زیر نویس ها

- ۱- D. Apter, The Politics of Modernization, Chicago, 1969, P. 181
- ۲- Whip
- ۳- H. Spencer
- ۴- Von Bertalanffy
- ۵- Structuralistes
- ۶- Fonctionalistes
- ۷- Frank Sorauf, Political Parties in the American System Boston, 1964
- ۸- D. Apter, Op, Cit, P. 186
- ۹- Robert King Merton, Elements de Theorie et de Methode Sociologique, Paris, Plon (tra Francais, 2Ed., 1965)
- ۱۰- Ibid, PP 126-135
- ۱۱- G. Almond/M. Powell, Comparative Politics, Boston, 1966
- ۱۲- George Lavau, «Partis et Systeme Politiques: Interactions et Fonctions», Revue Canadienne de Science Politique, Mars 1969, PP 36-44.
- ۱۳- Tribune de la Plebe